

## بحثی پیرامون تبصره ۳ ماده واحده قانون

تمدید مجازات سارقین مصوب نهم تیرماه ۱۳۳۹

### و طرح چند پیشنهاد اصلاحی :

افزایش و ازدیاد روز افزون انواع جرائم سرقت و ملاحظه بخشنامه مورخ ۱۱۷  
۱/۱/۱۶ ع جناب آقای الموتی وزیر محبوب و معظم دادگستری مبنی بر عدم ارفاق بسارقین  
پیشینه دار نگارنده را که مدت چند ساه است بر حسب وظیفه شغلی با این قبیل مجرمین  
و پرونده های آنان بیشتر تماس و سروکار دارم برآن داشت که مختصری پیرامون قانون تشدید  
مجازات سارقین پیشینه دار و کیفیت و نحوه فعلی اجرای آن بحث نموده و با تجاربی که از مطالعه  
پرونده های این قبیل مجرمین و اجرای قانون در مورد آنها حاصل نموده ام با اجازه همکاران  
و استادان گرامی پیشنهاداتی برای رفع اشکالات موجود و جلوگیری و تقلیل بزه دزدی  
تا حدیکه بفکر و نظر اینجانب رسیده بنماید :

تبصره ۳ ماده واحده قانون تشدید مجازات سارقین مصوب نهم تیرماه ۱۳۳۹

میگوید : « سارقینی که پس از وضع و اجرای این قانون سه مرتبه مرتکب  
سرقت شوند پس از ارتکاب دفعه سوم مشمول این قانون خواهند شد »  
با توجه بمفاد تبصره ماده فوق الذکر متهمی مشمول این تبصره میشود که :

۱ - اتهام فعلی و جدید او سرقت باشد اعم از این که سرقت بموجب قوانین جنحه  
باشد یا جنائی ( محتاج به توضیح نیست که سرقتی که مستقلاً و بموجب قوانین مخصوص  
در صلاحیت محاکم نظامی است مورد بحث ما نمی باشد ) و بنابراین شروع بسرقت یا معاونت  
در سرقت را نمیتوان مشمول این قانون دانست .

در این مورد عده ای از آقایان دادرسان عقیده دارند که جرائم اخیر الذکر نیز مشمول  
قانون است زیرا جرائم مزبور در ردیف و حکم سرقت است و با توجه بخطر و لطمه ای که آنان  
برای اجتماع دارند و همان فلسفه ای که وضع و اجرای چنین قانونی را برای مرتکبین اصلی  
ایجاب کرده در مورد آنها نیز رعایت و اعمال گردد .

استدلال مزبور بنظر صحیح نمیرسد چه صرف نظر از اینکه خطر و لطمه مرتکبین بسرقت  
با مجرمین دسته دوم قابل مقایسه نیست و بهمین علت قانون گزار مجازات و احکام خاصی  
برای مرتکبین شروع سرقت و معاونت در سرقت قائل گردیده و آنها را دو جرم مستقل  
و جدا گانه تلقی کرده است . اصولاً با اطلاق کلمه سارقین در متن تبصره ذکر شده و صراحتی  
که منطوق و مفاد تبصره مذکور در این قسمت دارد و با در نظر گرفتن اینکه

#### بحثی پیرامون تبصره ۴

جزا منصوص و غیرقابل تفسیر میباشد تکلیف روشن است و موضوع بنظر قابل بحث و تردید نمی باشد.

اما نکته قابل ذکر این است که شرکت در سرقت مشمول قانون مورد بحث میباشد زیرا اساساً مفهوم و معنا و احکامیکه شرکت در سایر جرائم دارد در سرقت ندارد چه مواد ۲۲۲ و ۲۲۶ و ۲۲۵ قانون مجازات عمومی که در شرائط و موارد سرقت بحث نموده مرتکبین بسرقت را که دو نفر یا بیشتر باشند حسبالمورد ( باعتبار جنائی یا جنحه بودن جرم ) مشمول حکم و مجازات خاصی قرار داده است.

بنابراین دو یا چند نفر را که مشترکاً مبادرت بسرقت کنند نمی توانیم شرکاء جرم دانسته و مثلاً رعایت ماده ۲۷ قانون مجازات عمومی را درباره آنها بنمائیم بلکه هر یک از سارقین حکم مباشر و سارق اصلی را داشته و بمجازات فاعل آن محکوم میشود.

بهمین ملاحظه و دلیل شرکت در سرقت را از جرائم معاونت و شروع بسرقت تفکیک نموده تبصره ماده واحده را شامل آن نمودیم.

۲ - سوابق محکومیت متهم بسرقت باید پس از تاریخ اجرای قانون مورد بحث باشد علیهذا باید بتاریخ وقوع جرم توجه نمود و چون تاریخ اجرای قانون بعد از انتشار آگهی در روزنامه رسمی کشور بلحاظ رعایت مسافت قانونی در تهران و شهرستانها فرق میکند بنابراین تاریخ اجرای قانون مورد بحث و بالتیجه تاریخ سوابق محکومیت در هر شهرستان متفاوت است.

۳ - متهم باید بعد از تاریخ اجرای قانون مورد بحث سه فقره محکومیت قطعی مبنی بر سرقت داشته باشد اعم از اینکه سوابق مزبور مجازات جنحه باشد یا جنائی یا حبس در دارالتادیب و همچنین تفاوت نمیکند که مرجع صادرکننده حکم نظامی باشد یا عمومی و نیز لزومی ندارد که حکم سابق اجراء شده باشد بنابراین اگر سوابق قطعی متهم بزه شروع بسرقت یا معاونت در سرقت یا اخفاء مال مسروقه باشد بهمان دلائلی که در بالا ذکر شد و با توجه باینکه تبصره قانون مزبور ارتکاب سه مرتبه سرقت را بطور مطلق گفته سوابق مزبور مشمول این قانون نیست ولی جرم شرکت در سرقت را بهمان دلائل که در بالا دیدیم باید مشمول قانون بدانیم.

در مورد اینکه منظور قانون گزار از ذکر جمله: « ۳ مرتبه هر تکب سرقت شوند پس از ارتکاب دفعه سوم ..... » آیا این بوده که سوابق قبلی متهم با ارتکاب جرم جدیدش باید سه مرتبه باشد یا سوابق سه و با مرتبه اخیر چهار گردد و همچنین آیا منظور از ارتکاب محکومیت قطعی است یا صرف اتهام میباشد بین آقایان دادرسان اختلاف نظر وجود دارد:

عده ای که معتقد بلزوم قطعیت محکومیت نیستند استدلال میکنند که چون در متن تبصره ۳ قانون مورد بحث قید کلمه سه مرتبه ارتکاب شده و ذکر از صدور حکم و قطعیت آن بعمل نیامده و تفسیر احکام قوانین جزاء هم برخلاف اصول حقوقی است بنابراین باید بظاهر مدلول تبصره قانونی عمل نمود و چنانچه متهمی دو سابقه اتهام سرقت دارد که در جریان

#### بخشی پیرامون تبصره ۴

رسیدگی است اگر با اتهام سومی سببی بر سرقت متهم شود باید پرونده را با صدور قرار عدم صلاحیت بدادرسی ارتش فرستاد.

عده‌ای هم با اعتقاد بلزوم قطعیت سابقه متهم، دو فقره سابقه محکومیت را کافی میدانند.

بنظر میرسد هیچیک از دو عقیده فوق‌الذکر منطبق با منظور و مقصود قانون گزار نباشد. زیرا:

اولاً - ارتکاب در لسان عرف عمل انجام یافته و امر مسلم و قطعی و از نظر قانون احراز وقوع جرم است و بشخصیکه در مظان اتهام است و هنوز اتهامش بمرحله صدور حکم و قطعیت نرسیده نمیتوان گفت مرتکب آن جرم شده است!

ثانیاً - طبق اصول کلی و بموجب ماده ۷۱ متمم قانون اساسی مرجع تظلمات عمومی دادگستری است مگر آنچه را که قانون استثنا کرده باشد علیهذا بصرف اینکه شخصی متهم بر سرقت شود و هنوز معلوم نیست گناهکار است یا بی گناه نمیتوان او را از مرجع عمومی منحرف و بدادگاه نظامی کشانید.

ثالثاً - چنانچه مفاد تبصره را از این حیث قابل تفسیر و بحث بدانیم اصل تفسیر قانون جزاء بِنفع متهم حکم میکنند سوابق را قطعی شده تلقی کنیم.

رابعاً - در صورتیکه ارتکاب را محکومیت قطعی تعبیر و تشخیص دهیم معنا و مقصود قانون که گفته است: «**پس از ارتکاب دفعه سوم**» بهتر روشن میشود باین معنی که متهم بر سرقت جدید پس از قطعیت محکومیت دفعه سوم مشمول تبصره مزبور خواهد گردید. نظریه اخیر مورد قبول و اجرای عمل اکثریت قرار گرفته و دیوانکشور نیز احکامی چند در تأیید آن صادر نموده است که ذیلاً درج میشود. (البته احکام مزبور از جمله آرائی نیست که طبق قانون وحدت رویه قضائی جنبه قانونی داشته باشد.)

«**تبصره ماده واحده قانون تشدید مجازات سارقین راجع بسه فقره محکومیت است بنابراین اگر متهم بدزدی فقط دو سابقه محکومیت برای دزدی داشته باشد رسیدگی با اتهام او در صلاحیت دادگاه عمومی است نه دادگاه نظامی**» حکم شماره ۵۴۰۷ - ۳۷/۸/۲۸ - شعبه سه ۳ دیوان عالی کشور.

«**بموجب اصل ۷۱ متمم قانون اساسی مرجع تظلمات عمومی دادگستری است مگر آنچه بموجب قانون استثنا شود چون بموجب تبصره ۳ ماده واحده مصوب تیرماه ۱۳۴۴ صلاحیت دادگاه نظام در موردی است که متهم سه دفعه مرتکب دزدی شود تردید نیست که ارتکاب وقتی مسلم میشود که حکم قطعی نسبت بآن صادر گردد بنابراین در مورد کسی که سه نوبت مرتکب دزدی شده و حکم قطعی نسبت به جرائم او صادر گردیده رسیدگی در صلاحیت دادگستری خواهد بود**»

## بخش پیرامون تبصره ۴

حکم شماره ۳۰۱۶ - ۳۴/۱۲/۱۳ - شعبه ۲ دیوان کشور.

موضوع قابل ذکر دیگر در این قسمت اینکه آیا صرف قطعیت سه فقره سابقه محکومیت برای اینکه سرقت جدید مشمول قانون مورد بحث شود کافی است یا سوابق مزبور از حیث میزان و نوع مجازات باید مخصوص و مانند احکام تکرار جرم باشد؟

ممکن است گفته شود که حکم تکرار مذکور در قانون فوق الاشعار نیز همانند احکام تکرار جرم مذکور در ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی است و مثلاً اگر سابقه محکومیت متهم کمتر از دو ماه یا محکومیت بحبس در دارالتأدیب باشد نمیتوان سوابق را مؤثر دانست خصوصاً با توجه به تبصره یک ماده ۴۱ و لایحه قانونی اصلاح متممی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۳۷/۶/۱۷ که هیچ گونه آثار کیفری برای محکومیت‌های کمتر از دو ماه و مجازات‌های نقدی کمتر از بیست هزار ریال قائل نشده است.

ولی بنظر اینجانب با توجه به فلسفه وضع قانون مورد بحث که منظور آن ایجاد شدت عمل نسبت به سارقین پیشینه‌دار و ترس آنها از تکرار جرم دزدی و بالاخره تقلیل و جلوگیری از وقوع سرقت است.

و بادر نظر گرفتن اینکه ماده واحده قانون تشدید مجازات سارقین مسلح قانون خاص و مستقلی است که عاری از هرگونه قید و شرطی درباره تکرار بزه سرقت وضع شده و تاریخ تصویب آن مؤخر از تاریخ تصویب قانون مربوط بتکرار جرم است و تبصره ۱ ماده ۴۱ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری هم که در بالا ذکر شد هرچند تاریخ تصویب آن بعد از تاریخ تصویب قانون مورد بحث است ولی چون نه بطور ضمنی و نه صریحاً تبصره ۳ - ماده واحده مورد بحث را مقید و حصر نموده است. و حکم تکرار جرم در ضمن تبصره مزبور مطلقاً و بدون قید ذکر شده بنابراین محکومیت‌های کمتر از دو ماه و مجازات‌های نقدی کمتر از بیست هزار ریال یا محکومیت بحبس دارالتأدیب نیز سابقه محکومیت محسوب میشود.

در تأیید نظریه اخیر نیز حکمی از شعبه ۹ دیوان کشور صادر شده که عیناً درج

میشود :

**« تبصره ۴ قانون تشدید مجازات سارقین مسلح اطلاق داشته و شامل موردی هم که متهم دارای سوابق محکومیت بحبس در دارالتأدیب بوده نیز میباشد »**

( حکم شماره ۲۶۰۹ - ۳۸/۷/۵ )

اینک که شرائط و ارکان تبصره ماده واحده قانون تشدید مجازات سارقین پیشینه‌دار را دیدیم به بینیم کیفیت و نحوه اجراء آن چه گونه است؟

بطوریکه خواننده گان محترم استحضار دارند کلیه پرونده‌های متهمین بسرقت در تهران اداره آگاهی متمرکز شده و پس از تکمیل در شعبه‌های آگاهی از طرف دادیاران مقیم و مأمور در آن اداره رسیدگی و اظهار نظر میشود.

### بحشی پیرامون تبصره ۴

خلاصه پیشینه‌های کیفری متهمین نیز از زندان مطالبه و پیوست پرونده‌ها میگردد چنانچه متهم بیش از سه فقره محکومیت برای دزدی داشته باشد و حائز شرائطی که قبلاً گفته شد باشد پرونده برای صدور قرار عدم صلاحیت و ارسال بدادرسی آرتش بیکی از آقایان بازپرسان دادسرای تهران ارجاع میشود و اگر سابقه مؤثر نباشد از طرف دادیار مربوطه رسیدگی و اظهار نظر میگردد.

آنچه در عمل مشاهده میشود متأسفانه پیشینه‌های کیفری متهمین که از زندان فرستاده میشود غالباً ناقص و قطعیت یا عدم قطعیت احکام محکومیت متهمین معلوم و روشن نشده درحالیکه بعید است مثلاً محکومیت‌های سالهای ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ که حکم هم درباره متهم اجراء شده قطعی نشده باشد.

این نقیصه ناشی از عدم ارسال نتیجه سوابق محکومیت متهمین از مراجع مربوط باداره زندان است که حتی بامکاتبات متعددی که قضات متصدی پرونده بدفاتر دادگاههای استان و جنحه و اجرای احکام می‌نمایند بواسطه منظم نبودن دفاتر و عدم ثبت مترتب و کامل نتیجه‌های آنها پس از ماهها که مکاتبه میشود پاسخی نمیرسد و گاهی هم که جواب میدهند بی‌نتیجه و کالعدم است. همین امر باعث گردیده که قانون تشدید مجازات سارقین تقریباً عملاً غیر مجری مانده است.

موضوع دیگری که موجب تجری سارقین پیشینه‌دار شده و بدبختانه جرائم سرقت هر روز رو بتزاید است عدم تعیین مجازاتهای سنگین برای این قبیل مجرمین است. اوائل تصویب و اجرای قانون مورد بحث که چند نفر سارق پیشینه‌دار بمجازات اعدام محکوم و حکم هم درباره آنها اجراء شد عکس‌العمل آن چندین سال باقی بود و بطور محسوس میزان جرائم سرقت تقلیل پیدا کرد.

اکنون موقع آن فرا رسیده که هم‌آهنگ اقداماتی که دولت در تقویت بنیه اقتصادی افراد و ایجاد کار برای آنان نموده و مینماید و بالنتیجه با گرسنگی و دزدی مبارزه میکند محاکم نظامی نیز با تعیین مجازاتهای سنگین مخصوصاً اعدام برای عده‌ای از سارقین حرفه‌ای و پیشینه‌دار از پیشرفت و توسعه عمل این قبیل مجرمین خطرناک که اخیراً باقتضای روز و ترقیات صنعتی جدید با تجهیزات کامل و تهیه اتومبیل و وسائل مدرن مرتکب دزدی میشوند بکاهند.

در خاتمه نیز توجه جناب آقای دادستان محترم و رؤسای محترم دادگاههای استان و شهرستان تهران را بمراتب معروضه معطوف میدارد که بدوائر مربوط دستور فرمایند در ثبت نتیجه محکومبتهای متهمین بسرقت و ارسال آن باداره زندان اقدام سریعتر و مراقبت‌های بیشتری نمایند که قانون مصوبه فوق‌الذکر عملاً بلااجراء نماند.